

21. <http://www.internetworldstats.com/stats7.htm>  
 22. <http://www.iranculture.org/research/internet/viewpajohesh.php?id=8>  
 23. <http://mouood.org/content/view/8678/3>  
 24. [http://www.tebyan.net/Science\\_Technology/ComputerMagazine/GeneralArticles/2005/11/10/14047.html](http://www.tebyan.net/Science_Technology/ComputerMagazine/GeneralArticles/2005/11/10/14047.html)



## علامه شهید سید اسماعیل بلخی رحمته الله علیه و راهبرد وحدت اسلامی

محمد طاهر اقبالی<sup>۱</sup>

### چکیده

وحدت اسلامی، هم‌گرایی و هم‌نوایی در جهان اسلام، یکی از راهبردی‌ترین و مهم‌ترین راه بازگشت دوباره مجد و عظمت، قدرت و شکوه اسلامی است، که نظر بسیاری از متفکران مسلمان را همیشه به خود معطوف داشته است. علامه شهید سید اسماعیل بلخی رحمته الله علیه، یکی از این ژرف‌اندیشان وحدت‌نگر است که همواره برای احیای اخوت دینی در افغانستان، تلاش کرده و به صورت گسترده محورها، راه‌کارها، موانع و پیامدهای آن را شفافیت بخشیده و بررسی نموده است.

کلیدواژه‌ها: وحدت اسلامی، اسماعیل بلخی، قرآن، جهان اسلام، افغانستان.

### مقدمه

علامه شهید سید اسماعیل بلخی رحمته الله علیه، یکی از متفکران وحدت‌گرا، اندیشمندی عدالت‌خواه و اصلاح‌طلب و استبدادستیز است، که در تاریخ معاصر افغانستان ظهور کرد، و افکار و اندیشه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی‌اش در روند و جهت‌دهی تحولات فکری و سیاسی جامعه تأثیر شگرف و عمیق گذاشته است.

این شخصیت فکور، متعهد و متبحر به آفاق علوم اسلامی در برهه‌ای از زمان، به فراگیری، تحقیقات و مطالعات اسلامی پرداخت که از یک سو در افغانستان و جهان اسلام هم‌چنان بی‌امنی، استعمارگرایی، استبدادگری، بی‌عدالتی، بی‌هویتی و بی‌هم‌رنگی بیداد می‌کرد؛ و از سوی دیگر خروش و خیزش نهضت‌ها و جنبش‌های اسلامی رو به افزایش و گسترش بود. این تلاقی و تلازم، فعالیت‌ها، تلاش‌ها و جهت‌گیری‌های شهید بلخی رحمته الله علیه را در ابعاد مختلف فرهنگی و سیاسی ساختارمند نمود. وی حرکت‌های فکری و مبارزات سیاسی خود را علیه استعمار بیرونی و استبداد

۱- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد کلام اسلامی، پژوهشگر و نویسنده.

درونی در ابعاد گوناگون و در ساحت‌های متفاوتی پی‌ریزی نمود، که در این چارچوب راهبرد وحدت‌خواهی اسلامی وی، مورد بازشناسی قرار می‌گیرد.

### ضرورت طرح اندیشه وحدت‌خواهی شهید بلخی رحمته‌الله

ضرورت تبیین نگرش شهید بلخی رحمته‌الله در همه عرصه‌ها و ساحت‌ها و به خصوص در قلمرو وحدت اسلامی ناشی از این است که از یک سو تفکر وحدت‌نگری وی برابند مسلمان بودن، احساس مسؤلیت کردن و تحلیل واقع‌بینانه داشتن از تحولات فرهنگی و سیاسی افغانستان بوده، و از سوی دیگر، او نه تنها وحدت‌نظر را شرط لازم برای حل بخشی از بحران‌های موجود در آن کشور اسلامی دانسته، بلکه وحدت‌عمل را نیز لازم و ضروری شمرده است. و از دیگر سو شهید بلخی رحمته‌الله خود در کنار بیان ایده «وحدت اسلامی»، در عمل وارد فعالیت در این عرصه شده و تلاش‌هایی را به سرانجام رسانده که همین پارامترها، وی را به عنوان شخصیتی تأثیرگذار در قلمرو وحدت‌خواهی معرفی کرده و ماندگار نموده است.

قرن‌ها باید که تا یک عده سنگ از زیر خاک  
لعل گردد در بدخشان یا عقیق اندر یمن  
عمرها باید که تا یک مجتهد آید پدید  
مجلسی از اصفهان یا مرتضی فخر زمن  
ماه‌ها باید که تا یک مشت پشم  
زاهدی را خرجه گردد یا شهیدی را کفن  
(سید حسن احمدی‌نژاد، ج ۲، ص ۷۰۰)

### شخصیت علمی شهید بلخی رحمته‌الله

شهید بلخی رحمته‌الله طبق روال سنتی جامعه‌اش که تربیت و تعلیم از زمان خردسالی آغاز می‌گردید، فراگیری معارف اسلامی را از همان دوران کودکی در خانواده شروع نمود، اما استعداد فوران‌کننده و حافظه سرشارش موجب شد که برای ادامه تحصیل به ایران و عراق هجرت کرده، و به ترتیب در حوزه‌های علمیه خراسان، نجف اشرف و قم رحل اقامت افکند. وی در طی تقریباً چهارده سال در رشته‌های تفسیر، کلام، فلسفه، فقه، اصول، و تمام علوم متداول آن زمان (حسینی، ۱۳۸۷، ص ۳۷) از اندیشه‌های استادان بزرگ و صاحب نامی هم‌چون: مرحوم آیت الله العظمی حاج سید صدر الدین صدر<sup>۱</sup>، مرحوم آیت الله العظمی شیخ محمد حسین کاشف الغطاء، مرحوم آیت الله شیخ محمد محسن آقا بزرگ تهرانی، آیت الله سید میرزا حسین فقیه سبزواری، مرحوم آیت الله العظمی امام خمینی و...

۱- پدر بزرگوار امام موسی صدر.

بهره گرفت؛ و هم‌زمان به مطالعه آثار بزرگان ادب، هنر و عرفان چون: مولوی بلخی، سنایی غزنوی، شمس تبریزی، حکیم فردوسی، ابو الحسن شهید بلخی، حافظ و سعدی شیرازی، شیخ بهایی، فیض کاشانی، علامه اقبال لاهوری و... (پیشین، ص ۳۹) پرداخت.

وی پس از سال‌ها تجربه آموزشی و پژوهشی در ایران و عراق، به کشورهای عربستان سعودی، سوریه، مصر و اردن نیز مسافرت کرد تا از نزدیک شاهد اوضاع و احوال فرهنگی و سیاسی پاره دیگری از پیکره جهان اسلام بوده، و تفکر ستیزگرایانه خود را علیه استعمار، استبداد، تفرقه، نژادپرستی، نابرابری، جهل و غفلت، استحکام ببخشد. وی هم‌چنین به خاطر شرکت کردن در قضیه کشف حجاب در مسجد گوهرشاد و سخنرانی علیه رژیم شاهنشاهی ایران و عراق بارها مورد پیگرد قرار گرفت و آرمان‌خواهی و آزاداندیشی او به مخاطره افتاد، و سرانجام با کوله‌باری از علم و تجربه، آرمان و آرزو به افغانستان باز گشت و به مبارزات فکری و سیاسی خود علیه بی‌عدالتی‌های فرهنگی و اجتماعی - نظام حاکم مستبد، حتی در زندان، تداوم بخشیده، و زندگی را - به گفته اقبال لاهوری - در خطر، زنده‌تر، رخشنده‌تر و تابنده‌تر ترسیم کرده و به تصویر کشیده است:

زندگی اندر خطرها زیستن  
بی‌خطرها زیستن، نازیستن  
زندگی اندر خطرها زندگی است  
بی‌خطرها زندگی شرمندگی است  
زندگی اندر خطرها زنده‌تر  
زنده‌تر، رخشنده‌تر، تابنده‌تر  
زندگی می‌باید اندر نبرد  
روحیات تازه‌ای می‌جو چو مرد.

(لاهوری)

### مسافرت به جهان اسلام

شهید بلخی رحمته‌الله با انگیزه‌های متفاوتی به دنیای اسلام مسافرت نموده است. پی‌گیری تحصیل و آشنا شدن با افکار و اندیشه‌های صاحبان علم و دانش و نخبگان جهان اسلام از جمله آن انگیزه‌هاست، که در بخش شخصیت علمی شهید بلخی رحمته‌الله به طور خلاصه به آن پرداخته شده است. وی در مدت یک سال و نیم (بعد از آزادی از زندان) مسافرت به کشورهای اسلامی، به ویژه کانون‌های مبارزات اسلامی و محورهای توجه دنیای اسلام، و تحصیلات و مطالعات و تحقیقات اسلامی، شناخت کاملی از اوضاع و شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی این کشورها به دست آورد و با یک بینش تازه و اندیشه‌های نو وارد کشور اسلامی خود شد. (حسینی، پیشین، ص ۴۹).  
«... در طول دوران طلبگی‌اش هیچ‌گاه از آن‌چه در جهان اسلام می‌گذشت غافل نبود، و در همان آغازین روزهای ورودش به حوزه دم از آزادی و استقلال و نبرد با استعمار می‌زد. «  
(احمدی‌نژاد، ج ۲، ص ۶۹۸).

**تشکیل حزب اتحاد اسلامی**

شهید بلخی رحمته الله علیه وقتی به افغانستان باز می‌گردد که بحران‌های فرهنگی و سیاسی در اثر کشته شدن "نادرشاه" به دست عبدالخالق (قهرمان و عدالت‌خواه هزاره) و به قدرت رسیدن "ظاهرشاه" اوج گرفته بود، و سلطنت و رژیم موروثی که در تاریخ این کشور، یادآور حاکمان خون‌آشام و بیدادگر بود، با ویژگی‌هایی چون: اختناق فکری، زنجیر کردن زبان‌ها، مهر کردن لب‌ها (طنین، ۱۳۸۴، ص ۷۷)، ظلم، تجاوز، عدم آزادی بیان، تشمت و تفرقه، سرکوب کردن آزاداندیشی، بی‌عدالتی در شکل‌های گوناگون، انحصارگرایی حداکثری در قالب نژاد، قوم، زبان و مذهب، استمرار داشت. بلخی زمانی که سرنوشته فکر و اندیشه‌اش توسط عاملان جهل و استبداد، به دست زندان دهم‌زنگ کابل سپرده شد، اوصاف سیاسی و اجتماعی کشورش را به زیبایی با زبان شعر به تصویر کشید:

حاجتی نیست به پرسش که چه نام است این‌جا / جهل را مسند و بر فقر مقام است این‌جا  
 علم و فضل و هنر و سعی و تفکر مـمـنوع / آن‌چه در شرع حلال است، حرام است این‌جا  
 ریش زاهد، قلم منشی و فرم افـسـر / حلقه حزب جوان‌ها، همه دام است این‌جا  
 می آزادی و وحدت نرسد از چه به ما؟ / مستبد شیخ صفت دشمن جام است این‌جا  
 ما به سر منزل مقصود، چه سان راه بریم؟ / راهزن، رهبر و خس دزد، امام است این‌جا  
 فکر مجموع در این قافله جز حیرت چیست؟ / زان‌که اندر کف یک فرد، زمام است این‌جا  
 سیر پرگار بسی طی شد و دور گـیـتی / همه‌جا پرتو صبح آمد و شام است این‌جا  
 مگر از صحنه بسـتـان طبیعت دوریم؟ / پخته شد میوه هر کشور و خام است این‌جا  
 ما از این مدرسه ناکام روانیم چـرا؟ / کام‌جویان همه در جستن کام است این‌جا  
 بردگان سرخوش و آزاد به هرجا، اما / ملتی بر در یک شخص، غلام است این‌جا  
 دیگران را به فلک سبقت دانش به دوام / رفتن ما به عقب هم به دوام است این‌جا  
 بلخیا! نکبت و ادبار، زسستی پیدا است / چاره این همه، یک‌بار قیام است این‌جا  
 (دیوان علامه بلخی، ۱۳۸۸، ص ۵۱)

عجب از گردش پرکاری این قوم مدار / قطب این دایره هم پیرو استبداد است  
 سهم ما هیچ شد از قرن مشعشع "بلخی" / گوئیا کشور ما محبس استعداد است  
 (ندای وحدت، ص ۱۶)

شهید بلخی رحمته الله علیه در چنین شرایطی، برای تحقق نهضت اصلاحی و مبارزه مداوم و همه‌جانبه، «حزب اتحاد اسلامی»<sup>۱</sup> را پایه‌ریزی کرد. این حزب طیف وسیعی از مردم شیعه و سنی را در بر می‌گرفت و اهداف و آرمان‌های مقدسی را برای خود ترسیم کرده بود، که تشکیل حکومت اسلامی بر پایه اصول و مبانی دینی از جمله آن اهداف بود. (حسینی، پیشین، ص ۵۷) وی به فعالیت‌های سیاسی با دورنمای تغییر افغانستان در محور عدالت اجتماعی، نفی حاکمیت‌های خودکامه خانوادگی و شکل‌گیری نظام "جمهوریت" در کشور پرداخت. (دیوان علامه بلخی، پیشین، ص ۴). این حزب از جهت ساختار اجتماعی به صورت کاملاً وحدت‌گرا و هم‌گرایی‌نگر تشکیل شده و نگاه وحدت‌گرایانه را در بافت چندپارچگی قومی، مذهبی و... مردم افغانستان داشته است.

« نکته قابل توجه در حرکت شهید بلخی ترکیب قومی یاران او بود که واقعاً درخور توجه است. روحانی، روشن‌فکر، نظامی و ملکی، پلیس و صاحب‌منصب اردو، چریک ده و پلیس شهر، ارتشی و مجاهد، سید و عام، شیعه و سنی، ترکمن و تاجیک، قزلباش و بیات، هزاره و پشتون، اغنیا و فقرا، تحصیل کرده و بی‌سواد، از کابل و ولایات دیگر» (دولت‌آبادی، ۱۳۸۵، ص ۴۳۳).

**نهضت وحدت‌خواهی و انقلاب اصلاحی در قالب اشعار**

شهید بلخی رحمته الله علیه زمانی که متوجه شد ابزار ارتباطات، یعنی گفتمان، سخنرانی و صحبت طرفینی را با مردم از دست داده، و فعالیت‌های فکری و سیاسی‌اش از طرف رژیم شاه منع گردیده، باز هم آرام نگرفت و بی‌قرار راه مبارزه را ادامه داد، اما در شکل و جبهه دیگر. این بار دیگر نه از ملاقات کردن با شخصیت‌های فکری و سیاسی دنیای اسلام خبری است و نه از فعالیت مدیریتی در تشکیلات حزبی، زیرا او در زندان دهم‌زنگ کابل محصور و محدود شده، و تنها یک جلد قرآن کریم انیس و مونس او می‌باشد. وی در این مدت بالاترین بهره را از کلام خدا گرفت تا جایی که خود می‌گوید: «۱۷۰۰ مرتبه قرآن را خواندم و به دقت به آیات توجه می‌کردم، در حدی که هر بار می‌خواندم تفسیر نویی به دست می‌آوردم. آن‌گاه فهمیدم که کلام الهی عین ذلت او بی‌نهایت است». هم‌چنین، وی در این مدت ۷۵ هزار بیت شعر با مضامین فرهنگی، سیاسی، اخلاقی، اجتماعی و عرفانی سروده است. (احمدی‌نژاد، پیشین، ص ۷۰۰) که تنها پنج هزار بیت آن از حوادث روزگار مصون مانده است. یک سوم این اشعار درباره وحدت اسلامی و تحولات جهان اسلام سروده شده است. (ندای وحدت، پیشین، ص ۲۹).

۱ - برخی از تاریخ‌نویسان افغانستان معتقدند این تشکل به نام «حزب ارشاد اسلامی» است.

## محورهای وحدت اسلامی

### ۱) درک ضرورت وحدت اسلامی

قرآن در آیات زیادی بر ارزش بی‌بدیل و ذاتی وحدت و هم‌گرایی دینی تأکید کرده، هم‌بستگی نیروها و عناصر دخیل و مؤثر در هر جامعه‌ای را عامل موفقیت آنان دانسته و مسلمانان را به وحدت و هم‌گرایی فراخوانده است. «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» و همگی به ریسمان خدا چنگ زدید و پراکنده نشوید و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یک‌دیگر بودید، و او میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر شدید و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد؛ این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد؛ شاید پذیرای هدایت باشید» (آل عمران/۱۰۳).

شهید بلخی رحمته‌الله از آن جایی که در مکتب اسلام تربیت شده و تعلیم یافت بود، با تأسی از قرآن کریم همان راهبرد دینی «وحدت اسلامی» را در مسیر حرکت اصلاحی خود، مورد توجه و تأکید وافر قرار داد، و نقش آن را در پیروزی ملت‌های مسلمان، در قالب شعر و سخن برای مردم مسلمان افغانستان و همهٔ مصلحت‌اندیشان جهان اسلام از منظرهای متفاوتی تبیین کرد؛ و در مسافرت‌های تبلیغی و فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در سرتاسر افغانستان و کشورهای مسلمان، دعوت مردم به اتحاد و یک‌رنگی و هم‌بستگی اسلامی را سرلوحهٔ کارهای خود قرار داده بود تا جایی که هر کجا نام بلخی برده می‌شد، صلح، دوستی، برادری و برابری به یاد می‌آمد. (حسینی، ص ۶۰). وی تأکید می‌کرد که اگر می‌خواهی تفوق بر کسی داشته باشی، بر نژاد و مذهب تکیه مکن. این اتکا جامعه را از هم جدا می‌کند. (تلخیص از ندای وحدت، پیشین، ص ۲۲). هر شیعه که سنی نیست، شیعه نیست و هرکه شیعه نیست سنی نیست. این مسلک دینی و مذهبی من است. همه ما مسلمان هستیم و اختلافات فرعی شیعه و سنی نمی‌تواند و نباید در ارکان اسلامیت ما تزلزل وارد کند، باید مردم دارای قلوب مصفا از صمیمیت و راستی باشند و همه مؤمنین با یک‌دیگر رؤف و مهربان باشند و تبعیض‌های نژادی و مذهبی برطرف گردد. (پیشین، ص ۲۰).

بعد از آن با میل وحدت سرمهٔ غیرت بکش با حقیقت کاملاً چشمت شناسا می‌شود هیچ نیرو نیست بالاتر ز روز اتحاد دیده شد، هر ناتوان از وی توانا می‌شود مقصد، از ایثار و وحدت هیچ‌که غافل مشو نام وحدت باعث ارعاب اعدا می‌شود (دیوان علامه بلخی، ص ۶۷).

چه فتنه‌ای است؟ ز وحدت چرا گریزانیم؟

قدم به مجمع وحدت بنه، نفاق مجوی

ز چیست وقت همه در تضاد می‌گذرد؟

اگر نفاق وگر اتحاد می‌گذرد

(پیشین، ص ۵۹).

### ۲) قرآن کریم

یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین عرصه‌های وحدت اسلامی، قرآن کریم، معجزه خالد پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. تمامی فرقه‌ها و نحله‌های فکری، با همه تفاوت‌ها و ضدیت‌های جزئی موجود میان آنان، باورها و اندیشه‌های اعتقادی خود را برآمده از قرآن می‌دانند و بر آن اصرار می‌ورزند و هر گونه ناهم‌سوایی و ناهم‌گونی با آن را در نظام فکری خویش بر نمی‌تابند.

احمد و قرآن و آواز حجاز  
تابلویش رحمه للعالمین  
دین او بگذشت از دیوار چین  
هست قرآنش الی یوم النشور

منکرش کس در همه اقطار نیست  
دعوت او خاصه امصار نیست  
سد مد شرع او دیوار نیست  
لطف حق مقطوع الاستمرار نیست

(پیشین، ص ۵۵).

با بودن قرآن، نگر ای مرد مسلمان  
هر روز رود نسل مسلمان هدر از ما

(پیشین، ص ۱۵).

هان ای بشر بیاموز، درس از کتاب قرآن  
در آتش دوئیت سوز و گداز تاکی  
جنگ نژاد و مذهب، رخت از جهان نبندد  
ز اصلاح اوس و خزرج این نکته گشت معلوم

دست از ره توسل، زن برطنا بقرآن  
بهر دوام وحدت، کن انتخاب قرآن  
تا عالمی نگردد، دانش‌مآب قرآن  
فرمان صلح بارد از انقلاب قرآن

(ندای وحدت، ص ۳۰).

گر مسلمانی به قرآنت قسم  
گر همنود استی، تودانی و گزنگ

پیرو احکام قرآنی و باشد از یقین  
دیوان علامه بلخی، ص ۷۷.

حامی احکام قرآن خون و استقلال  
پیشین، ص ۱۰۹.

گوییم ره چاره ز قرآن محمد  
گویاست که در بین بشر صلح بود خیر

کاندر ره توحید، زبانش به بیان است  
هم گفت که جمعیت مؤمن اخوان است  
(پیشین، ص ۱۳۶).

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا» (اسراء / ۹).

### ۳) پیامبر اسلام ﷺ

از جمله عوامل جاودانگی یک مکتب و وحدت یک جامعه، ارائه الگوهای عینی، یقینی، قولی و فعلی در کنار الگوهای رفتاری است. مکتب اسلام، تنها مکتبی است که با ارائه الگوهای کامل در کنار دستورالعمل‌ها و تعالیم ممتاز، قول و فعل را ملازم هم‌دیگر ساخته و آهنگ جاودانگی و هم‌گرایی گرفته، و پیامبر اکرم ﷺ را الگوی انسانیت معرفی کرده است:

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب / ۲۱).  
«وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ \* إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ: (نجم، ۳) «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (حشر / ۷).

توحید بود مکتب آن مرشد کامل  
هرگز به بیابان جهالت، نشود گم  
دیگر نکند شکوه ز بیدادگری‌ها  
کسری شکند کاخ عدالت‌نگر او  
بلخی نسزد دگر پیرو او را

جز حق نبود، هیچ کس استاد محمد  
آن را که نصیب است ز ارشاد محمد  
هرکو خبری یافته از داد محمد  
شد تا به فلک معدلت باد محمد  
قرآن عظیم آمده او راد محمد

(حسینی، پیشین، ص ۷۶).

### ۴) اسلام، دین وحدت‌نگر و اخوت‌خواه است

اسلام دینی است جامع، کامل، اخوت‌خواه و فراملیتی. وحدت ادیان الهی، و اخوت اسلامی در آیات متعدد مورد توجه قرار گرفته است. شهید بلخی رحمته الله علیه معتقد است اتحاد اسلامی شمشیر پیروزی اسلام و مسلمین می‌باشد.

با سلاح اتفاق و همتی و جنبشی  
بیرق صلحی اگر از آسیا گردد بلند  
نیست این پیغام، تنها از روان بوعلی  
پیکر توحید در هر گوشه‌ای درخاک و خون

رفع ننگ و عار و تجدید مزایا می‌شود  
صلح گیتی افتخار شرق اقصی می‌شود  
بلکه از روح محمد این تقاضا می‌شود  
گوش جان گر باشدت، فریاد غوثا می‌شود  
(دیوان علامه بلخی، ص ۶۹).

«إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران / ۱۹) «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (آل عمران / ۸۵).

### راه کارهای وحدت اسلامی ۱) بیداری مسلمانان

بیداری و هوشیاری مسلمانان نسبت به درک تاریخ، فرهنگ و اوضاع جاری جهان اسلام از یک طرف، و اطلاع پیروان مذاهب اسلامی از عقاید، اخلاق و امور فقهی صحیح مذهب خودشان، از طرف دیگر، یکی از پایه‌ها و ستون فقرات وحدت اسلامی است که شهید بلخی رحمته الله علیه به خوبی آن را در لسان اشعار بیان کرده، تا برای هر مسلمانی آزادی‌خواه و استقلال طلب تذکری باشد، زیرا تا بیداری نباشد پایداری وجود پیدا نمی‌کند و استعمار بیرونی و استبداد درونی هم‌چنان در سرزمین‌های اسلامی تداوم پیدا خواهد کرد.

مستبد، ای کهنه شاگرد فرنگ	با خبر باشی که ملت شد زرنگ
هم به عمر و هم به منصب، هم به عیش	بیشتر از حق خود کردی درنگ
مشت دیموکراتی‌ات هم باز شد	آن قدر هم نیست کس غول و دینگ <sup>۱</sup>
گاه رو سوی جنوب و گه شمال	آخر ای موشک! خورد پوزت به سنگ

(دیوان علامه بلخی، ص ۷۶).

### ۲) توجه به مفاخر، تاریخ مسلمانان و جهان اسلام

توجه به هویت علمی، تاریخی و وضعیت مسلمانان از جهات مختلف، یکی از مهم‌ترین راهبردهای وحدت‌بخش است. استعمار و استبداد در کشورهای اسلامی، از جمله افغانستان، همواره سخت تلاش کرده تا مسلمین را از گذشته پرافتخار و تمدن متعالی خود دور نگه داشته و بین آنها

۱- آدم کودن و احمق.

فاصله ایجاد نماید، اما شهید بلخی علیه السلام از زبان شعر این شاهرگ حیاتی وحدت اسلامی را به درستی به تصویر کشیده است:

الجزیره ! بر شهیدانت ز ما بادا سلام  
ای صبا! بر گو ز زندان با مسلمانان چین  
می رسد هر لحظه از «قفقاز» و «گرجستان» ندا  
دوش پیغام از روان بوعلی سینا رسید  
چشم‌های ما و «بونصر» و «جلال الدین» براه  
ای خدا جویان با همت خدا را، همتی  
صد هزاران مسجد و قرآن اسیر اجنبی است  
(پیشین، ص ۶۹).

ای مسلمانان عالم! این همه ننگ شماست  
هر ورق از پاره قرآن که پامال جفاست  
رفتی از دنیا و منظور تو قرآن بود و بس  
ور نه بر قرآن و بر مسجد چه پروا می شود؟  
پیش حق از هر مسلمان داد، گویا می شود  
از روانت حال هم، بر ما وصایا می شود

### ۳) امید، اعتماد به نفس، اتکال بر خدا، همت و استقلال طلبی

از منظر شهید بلخی علیه السلام امیدبخشی و تزریق آن بر فکرها، نفس‌ها و دل‌های مسلمانان، ترغیب و تشویق به اعتماد به نفس داشتن، اتکا بر خداوند لایزال، تلاش کردن و همت داشتن، آزادی و استقلال خواهی، از دیگر فاکتورهای تأثیرگذار در استحکام بخشیدن به وحدت اسلامی است، زیرا آثار طبیعی مایوس شدن، متکی بودن به غیرخدا، توکل کردن به قدرت غیرمطلق، واماندن در میان جاذبه‌ها و همت نداشتن در واکنش به دافعه‌ها و وابسته شدن به این فهم و یا آن پراشت، همان تشتت در نگرش‌ها و گرایش‌ها در عرصه‌های مختلف خواهد بود.

«بلخی» ز زندان هر نفس تلقین همت می کند  
هان ای جوانان! همتی این است پیغام جوان  
(پیشین، ص ۲۴۸).

آن شهامت‌ها و پیروزی نه تنها یاد ماست  
دائماً می‌پروراند رادمردان شجاع  
باشد از راه شراف امروز تا پایان دهر  
مقصد و مقصود ما صلح است و اندر راه صلح  
هم وطن را بانی بنیان عمران است و هم  
هست در یاد رقیبان خون و استقلال ما

همچو شیران نیستان خون و استقلال ما  
با عدو مشت و گریبان خون و استقلال ما

همت و عزم متین از ما بیاید هم به ما  
نامیدی برفکن، مشکل‌پسندی دور کن  
اعتماد نفس پاک و اتکالت بر خدای  
گر شود این هر دو با هم در طریق بندگی  
همت چو چشمه‌ای نهان در نهاد مرد  
گل قحط کس ندید چو در بوستان دهر

ز استعمار و استبداد شادم  
جفا و جور استکبار نمود

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (بقره ۲۱۸).

### ۴) غیرت دینی، وطن خواهی و استقامت

جنگ گیتی راست، جبران خون و استقلال ما  
رونق فرهنگ و عرفان خون و استقلال ما  
(پیشین، ص ۱۰۹).

از مقام کبریا بذل هدایا می‌شود  
ز اتحاد قطره‌ها ابر عطایا می‌شود  
از دو جانب بنده را ملجا و منجا می‌شود  
آتش نمود برداً و سلاما می‌شود  
(پیشین، ص ۶۷).

کاخر فشار آب، شکافد جبال را  
«بلخی»! مکن قبول تو قحط‌الرجال را  
(پیشین، ص ۱۰۷).

یقیناً انقلابی را بر آرد  
خلیل کامیابی را بر آرد  
(دیوان علامه بلخی، ص ۱۲۳).

غیرت دینی و تعصب اسلامی، وطن‌خواهی و استقامت اگر در خدمت گسترش ارزش‌های اسلامی و انسانی قرار گیرد، ممدوح و ارزشمند توصیف می‌شود. یکی از چیزهایی که در نگرش و فرهنگ اسلامی، ستایش شده، تحریک و تقویت غیرت دینی و عصبیت اسلامی، وطن‌خواهی و استقامت است، که شهید بلخی علیه السلام از آنها برای توسعه اتحاد اسلامی بهره گرفته و در اشعار خود به آنها پرداخته است:

ریخت خون بس پدر، تا ماند قرآن بهر ما  
حیف میراث پدر را کودکان ارزان شکست  
(پیشین، ص ۱۴۴).

ای صبا! برگو ز من با طالبان راه حق  
جسم ما گر دور ماند از کوی آن دلبر چه باک؟  
در ره ترویج دین از هستی خود درگذشت  
قبله اهل دعا باشد رخ نیکوی دوست  
می‌برد این باد، آخر خاک ما را سوی دوست  
دین پاک حق قوی گردید از بازوی دوست  
(پیشین، ص ۱۴۵).

نازمت ای استقامت! کاخر از سرپنجهات

وای مسلمان مگر وحدت ایمان نداشت  
خواری و ذلت بماند جای شجاعت، چنان  
خفت اسلام را کاش نبینم دگر!

اگرخواهی همی رشد سیاسی  
به غفلت آبرو از جوی ما رفت  
جوانان! در قلم رنگ شفا نیست  
ز خون بنویس بر دیوار ظالم  
بزن "بلخی"! تو هم، برصف رندان

اگر رسم مروت در جهان نیست  
مدان مسئول آن دور زمان را

قلب سخت یار و هم زنجیر و هم زندان شکست  
(پیشین، ص ۱۴۴).

گاه پی انگلیس، گه به در روس رفت  
نام شجاعت از این صفحه قاموس رفت  
زود برآید صدا! "بلخی" محبوس رفت  
(پیشین، ص ۱۵۸).

طریق مرشد و ارشاد، خون است  
به استرداد، استمداد خون است  
دوای درد استبداد خون است  
که آخر سیل این بنیاد خون است  
که آخر هرچه بادا باد خون است  
(پیشین، ص ۱۳۸).

وگر از مردمی نام و نشان نیست  
گناه از ماست، تقصیر از زمان نیست  
(پیشین، ص ۱۵۳).

امام علی علیه السلام می فرماید: «ان کنتم لامحالة متعصبين فتعصبوا لنصرة الحق و إغاثة الملهوف» (غررالحکم، ۳۷۳۸). هم چنین می فرماید: «حب الوطن من الايمان» (ری شهری، ص ۵۳۷).

**۵) علم و دانش**

آگاهی و دانش از مقوله‌هایی است که در متن دین اسلام دارای جایگاه بسیار مهم و اساسی بوده، و بر فراگیری آن توجه و تأکید خاص شده است و از جمله امور زیربنایی انسجام پایدار و اتحاد اثربخش محسوب می‌گردد. شهید بلخی علیه السلام پس از محرم ۱۳۴۶ وقتی که امام خمینی علیه السلام در عراق تبعید بود، از نجف اشرف به شهر مقدس قم رفت و در یک سخنرانی در جمع دیدارکنندگان مشتاق در مدرسه فیضیه، دربارهٔ ارزش دانش‌اندوزی و علم‌آموزی خطاب به طلاب چنین گفت:

«حضار محترم! اساتید، علمای اسلام! احتیاج به علم از ضروریات اولیه است و حاجت به شرح و بیان نیست. همین بشری که در آرای سیاسی، اقتصادی و... اختلاف دارد در اصالت علم اختلاف ندارد، چون خوب است علمی که منتهی شود به یک مقصد و ملاک عقلایی که به قول بزرگان جنبه اصلاحی و اجتماعی داشته باشد».

شعاع نیر تابان به غیرعلم نبود  
دمی که همه افلاکیان شدن مصدر  
ز رمز صحبت موسی و خضر شد معلوم

ای نور چشم! از پی علم و عمل شتاب

فروغ شمع فروزان به غیر علم نبود  
به امتیاز تو برهان به غیر علم نبود  
که آب چشمهٔ حیوان به غیر علم نبود  
(احمدی نژاد، پیشین، ص ۷۰۲).

در اعتلای میهن و اهلس زجان بکوش  
(پیشین، ص ۲۳۳).

«قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر/ ۹) «يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (مجادله/ ۱۱).

**۶) وحدت نظر و عمل**

از نظر شهید بلخی علیه السلام، اتحاد کارساز و هم‌گرایی وقتی اخوت‌آور است که هر فرد مسلمان اعم از خواص و عوام در عرصه گفتار و رفتار، هماهنگ عمل نماید. در کنار وحدت‌نظر، وحدت در کردار نیز ضروری می‌باشد، تا اتحاد واقعی و آرمانی اسلام محقق گردیده و به سرانجام برسد.

وحدت فکر و نظر با همت سعی و عمل  
خواهد از جمع جوانان خون و استقلال ما  
(پیشین، ص ۱۰۹).

خفتن اندر بستر اظهار، درمانگاه نیست  
درد را خود پای همت سوی درمان رفتن است  
(دیوان علامه بلخی، ص ۱۳۷).

ای بشر! تاکی تو را ایثار نیست  
عدل و دادت دعوی و جودت شعار  
از چه‌تان ای پیشوایان ملل  
هرکه را دیدم که شد غمخوار نوع  
هیچ گفتار تو را کردار نیست  
شرمت از افعال ناهنجار نیست  
طبق منشور ملل، رفتار نیست؟  
در دماغش غیر استعمار نیست  
(پیشین، ص ۵۳ و ۵۴).

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَعْمَلُونَ» (صف/ ۲).

**۷) بهره گرفتن از فرصت**

فرصت و زمان در فرهنگ اسلامی، گوهری گران‌بها، نایاب و تکرارنشدنی است. شهید بلخی اعتقاد دارد که اگر چه در جهان اسلام و افغانستان، خطاها و اشتباهات فراوانی در راستای اختلافات

مذهبی، نژادی و... به وجود آمده و مشکلات گوناگون فکری، سیاسی و اجتماعی را در پی داشته، اما باز هم می‌توان از فرصت تضييع نشده بهره گرفت، و با وحدت اسلامی، خطاهای گذشته را جبران نمود، و بر مشکلات فراروی مسلمانان فائق آمد.

دامن فرصت مده از کف به وقت مغتنم باز هم وقت است، جبران خطایا می‌شود (دیوان علامه بلخی، ص ۶۷).  
 مغتنم بشمار ایام و مکن تضييع وقت تا تو خواهی جام، فردا شیشهات دوران شکست (پیشین، ص ۱۴۳).  
 تمام فرصت ما بیش از این تبسم نیست ببین به غنچه، چو لب برگشاد می‌گذرد (پیشین، ص ۵۸).  
 راستی گر مقصدی داری، مده فرصت زکف و عدهٔ امروز و فردا رو به نسیان رفتن است (پیشین، ص ۱۳۷).  
 وقت تنگ است ای پسر! هشیار باش هرکه عاطل بگذرد هشیار نیست نیست بدتر از بطلت هیچ جرم چارهٔ این غفلت استغفار نیست (پیشین، ص ۵۶).  
 امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الفرصة سريعة الفوت و بطيئة العود» (غررالحکم، ۲۰۱۹) هم‌چنین می‌فرماید: «الفرصة تمر مرالسحاب» (نهج البلاغه، ح ۲۱).

**عوامل اختلاف‌انگیز  
(۱) جهالت**

در تلقی بلخی علیه السلام، یکی از مهم‌ترین موانع رسیدن به عرصه‌ها و تجلی‌های مختلف وحدت اسلامی، جهالت، بی‌آگاهی و بی‌خبری تعریف شده است. جاهل در اصطلاح فقیهان به شخصی گفته می‌شود که در گفتار یا کردار یا اعتقادات باطنی خود به ناآگاهی و نادانی موصوف باشد. (دایره‌المعارف تشیع، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۵۳۷).  
 این جنگ وجدال بشر، از جهل است وین نکبت حال بشر، از جهل است تا درس نخوانند به دانشگه وحدت خود رنج و ملل بشر از علت جهل است "بلخی" نشود تا که همه پیرو اسلام آخر که زوال بشر از علت جهل است (دیوان علامه بلخی، ص ۱۳۰).

ای مسلمان! از جهالت جنگ مذهب داشتی در نژاد و در زبان هم حال، پیدا می‌شود (پیشین، ص ۶۶).

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الجهل فساد کل امر». هم‌چنین می‌فرماید: «الجهل اصل کل شر». (ری‌شهری، پیشین، ص ۱۱۱)

**(۲) خرافه پرستی**

در برخی از جوامع اسلامی، از جمله در کشور افغانستان به دلیل وجود اسباب گوناگون، خرافه و اوهام پرستی از قدیم‌الایام رایج بوده و ادامه پیدا کرده است و حتی گاهی رنگ و بوی دینی و مذهبی گرفته است. یکی از پیامدهای این رویه مخلوط شدن امور وهمی و گزاره‌های اسلامی است که خود زمینه اختلاف و پراکندگی را ایجاد می‌کند.  
 «امروز، روز شرکت و فریاد است. امروز دیگر روز آرام نشستن نیست. روز مبارزه با خرافات است. روزی است که باید چهره واقعی اسلام را از زیر ابرهای کدر اوهام و خیالات فاسده بیرون کشید. امروز، روز جنبش و روز حرکت است. لکن جنبش متین و با معنا، جنبش علم و فرهنگ و...» (احمدی نژاد، پیشین، ص ۷۰۳).

**(۳) حاکمان فاسد، جاهل و استبدادگر**

وجود حاکمان فاسد، جاهل و استبدادگر در جامعه موجب می‌شود که تفرقه و اختلاف گسترش یافته، وحدت و هم‌گرایی رو به فراموشی رود، زیرا منافع و مصلحت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی رهبران، این‌چنین تأمین می‌گردد.  
 ما را ست کشوری که مجال سؤال نیست و در نه سؤال هست که دالر به جیب کیست؟ (دیوان علامه بلخی، ص ۱۵۱).  
 جرم عشق وطن و حق‌طلبی یک به هزار می‌دهم شرح بر ملت افغان امشب اولاً یک نظری کن به جهان و پس از آن نظری کن به جهان‌داری غولان امشب جمله آزاده و ز انواع نعم برخوردار هست یک ملت پس ماند هراسان امشب نه حیاتی نه علمی و نه آزادی رأی مانده در فکرت پوشاک و غم نان امشب



کفن مرده زکاه است و زخاشاک زمین هیچ دانی که کجا گفتم و آن ملت کیست؟ بهتر آن است به آمریکا فروشیم وطن دیگری گفت که: آمریکا بدور است ز ما دیگرش گفت که: پس وعده به ملت چه دهیم؟ الغرض آن چه که شد شد، تو خودت فهم نما لیک شیران دلاور شده دربند، اسیر روپهان حاکم شیران و دلیران امشب آخر ای هموطنان! من به که گویم این درد (پیشین، ص ۲۶-۱۹).

با مستبد که پنجه زدم، حق نمی دهد حق را به ضرب زور گرفتن ضرورت است (پیشین، ص ۱۴۳).  
 ناخدای ما در این طوفان غم می زند هر ساعتی بنگی دیگر بوالعجب ما راست بخت واژگون رهنما کورست یا لنگی دیگر "بلخیا" بی دانشی ننگ است، ننگ دعوی دانشوری ننگی دیگر (پیشین، ص ۲۱۲).  
 امام صادق علیه السلام می فرماید: «المستبد برأیه موقوف علی مداحض الزلل». (ری شهری، پیشین، ص ۲۱۱).

**۴) استفاده ابزاری از مذهب و تلقی های متفاوت و متضاد؛ شیخ، صوفی، زاهد و مفتی**  
 در نگرش بلخی رحمته الله علیه، شیخ، صوفی، زاهد و مفتی نماد و سنبل انسانی است که طرز فهم خود را از دین، بر دین و مذهب تحمیل نموده، به عمد و یا از روی سهو تلقی سودجویانه و منفعت گرایانه از متن دین داشته و به دلایل گوناگون از آن استفاده ابزاری نموده است، که در نتیجه، انحصارگرایی، حسادت ورزی، فریب و ریاکاری، تقدیر و جبرگرایی، دین فروشی و اوهام پرستی، و تشدید اختلافات مذهبی و تکفیر را در پی داشته است.

صوفی! تو چند روز خدا را کنار باش مردم گرسنه اند، تو را جنگ مذهب است؟! (دیوان علامه بلخی، ص ۱۱۹).  
 معویذ<sup>۲</sup> چشم شور گرفتن ضرورت است من سوی یار رفتم و زاهد به کید دید

۱- آرمان و آرزو.

۲- دعای چشم زخم که به گردن آویزند.

دوری من از شیخ هم از فکرت پست اوست ای کبوتر! خطر شیخ زیاد است ترا نصیحت نشنوم از مفتی شهر اختلاف شیخ و صوفی علت واماندگی جز قفای گور رفتن علتی دیگر نداشت گر متاع خانه را بردن مقصر دزد بود

منع دانش کرد زاهد کز متاع این شرع، چه شرعی است که در وی گفتم به شیخ شهر: بگو حق به سوی کیست؟

مرگی چو مرگ زاهد و صوفی نخواستم شیخ را بس خنده ها بر بت پرستی بود لیک دیری است مستبد راه، با شیخ اتحادی است از شیخ چو وحدت نشنیدیم، از آن روز تا نشان از شیخ و تزویر است، ما و جام می ما و تو را جنگ نیست بر سر مذهب در عصر اتم همت ما جنگ مذاهب

**۵) استعمار، استبداد، غرب و غرب زدگی**

خود را ز سقله دور گرفتن ضرورت است (پیشین، ص ۱۲۲).  
 گره و حلقه این دام، همی اوراد است که گفتا خون مظلومان حلال است (پیشین، ص ۱۳۰).  
 پای همت بسته، می گویند کاین تقدیر ماست! این فلاکت ها که می بینی گریبان گیر ماست خانه را بی پاسبان ماندن دگر تقصیر ماست (پیشین، ص ۱۳۳).

در دکان او دعایی بوده است (پیشین، ص ۱۴۰).

هر فتنه مباح است به ایجاب سیاست (پیشین).  
 خندید و گفت: دیده شود زر به جیب کیست؟ (پیشین، ص ۱۵۰).  
 بی زخم تیغ، مرده ما را نمود نیست از ریا در آستین بر آن چه می خندید داشت (پیشین، ص ۱۵۳ و ۱۵۴).

یارب! میان دزدان این اتحاد تا کی هر روز در این مدرسه، آشوب دیگر هست صلح ممکن نیست، هر سو طعنه و تکفیر هست مفتی و ملا و پیر اگر بگذارند شد کهنه دنیا بر ما، رسم نوین است (ندای وحدت، ص ۳۰).

استعمار و استبداد در جهان اسلام، از واژگان مذموم و منقوری است که در خدمت هم قرار گرفته و قوام آنها در اختلاف انگیزی و تضاد ورزی می باشد، و یکی از پیامدهای وجود آنها، از بین رفتن وحدت اسلامی است، که شهید بلخی رحمته الله علیه به آن توجه داشته است.

ای ساده جوان! از پی این جنگ بشرکش  
دیگر مکن از غرب، تمنای مودت  
(پیشین، ص ۱۱۷).

طرفدار بشر هرگز مخوانش  
هر آن کس خودپرستی اشتغال است  
تبری جو ز استبداد و اهلس  
که شاخ کبر، آخر پایمال است  
به ظالم خصم و بر مظلوم یاور  
همین قانون پاک اعتدال است  
(پیشین، ص ۱۳۰).

از مرهم فاشیست نشد زخم بشر به  
قصاب به فکر پی و بز در غم جان است  
(پیشین، ص ۱۳۶).

حلیه خصم عنود وحدت ما را ربود  
جمله اسناد ما در کف جاسوس رفت  
(پیشین، ص ۱۵۸).

به جوانان وطن باز رسان پیغامم  
ای که در دل هوس سیر اروپا داری  
فر و فرهنگ بیاموز، نه عادات فرنگ  
تو که میراث پدر کسوت تقوا داری  
جلوه شاهد امروز، فریبست ندهد  
باخبر باش که آینده فردا داری  
این دبستان به تو آموخت معمای حیات  
امتحان می شوی و حل معما داری  
(پیشین، ص ۳۲۹).

یا ز ملت باش و یا زین خانه رو  
نیست دنیا بر تو و مثل تو تنگ  
آن چه داری، نسل هایت را بس است  
هر چه می خواهد خورد تریاک و بنگ  
(پیشین، ص ۷۷).

هر که را دیدم که شد غمخوار نوع  
در دماغش غیر استعمار نیست  
آید از خاک هر و شما صدا  
کاین ثمر جز نخل استعمار نیست  
بیخ و شاخ این تمدن خشک باد  
فرق ما با دوره احجار نیست  
گر دهیم انصاف، در بین وحوش  
این چنین بی رحمی و کشتار نیست  
(پیشین، ص ۵۵).

**۶) سیاست زدگی، تبعیض، تعصب، تجاهل و تفاخر**

در تفکر بلخی علیه السلام، غرق شدن در سیاست، بهادادن به تبعیض گرایی و عصبیت و در لاک تجاهل و تفاخر فرو رفتن، یکی دیگر از موانع تحقق وحدت اسلامی در افغانستان محسوب می گردد، که استبداد رأی، خودپرستی، بیدادگری و وابستگی را که در تضاد با آزادی و آزادگی هر مسلمان است، به بار می آورد. شهید بلخی در کشوری زندگی کرده که بیش از چند دهه ظلم ها و تعدی های بی حد و حصر فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بر شیعیان آن روا داشته شده، و آنان به دلایل واهی و غیرمنطقی و غیراسلامی و مبتنی بر نگاه عصبیت محوری مذهبی، نژادی و زبانی از حقوق سیاسی و

اجتماعی خود محروم بوده اند. توجه دقیق و عمیق به تاریخ افغانستان به خوبی به ما کمک می کند تا فریاد عدالت خواهی بلخی علیه السلام را در این اشعار بازشناسیم:

در حذر باش، ای سیاستمند ز استبداد رأی  
خودپرستی های هتلر وحدت آلمان شکست  
ای مسلمان! در گذر از فکر تبعیض نژاد  
کاین تعصب های خشک از عزت سلمان شکست  
از چه ای دانا! زنی مینای وحدت را به سنگ؟  
و ز تجاهل بارها گفتی چرا نادان شکست  
(پیشین، ص ۱۴۳).

هیچ می دانی بالای این تعصب های خشک؟  
بر مسلمان مسلک فاشیست اغوا می شود  
(پیشین، ص ۶۶).

گر ملتی از سلطه قومی شود آزاد  
در هر قدمی کشور مغضوب دگر هست  
ای که می گوی که من دیوانه ام زنجیر کو؟  
راستی دیوانه شو، زولانه و زنجیر هست  
”بلخیا“! خود را مقصر کس نمی داند، ولی  
عاقبت معلوم می گردد که را تقصیر هست  
(پیشین، ص ۱۴۸ و ۱۴۹).

ذکر خیری نرود از پس بیدادگری  
کز سر سفره مسکین لب نان برزد و رفت  
(پیشین، ص ۱۵۹).

سیاست بازی این روز ما هم عقده نگشاید  
در این بازی ملل یکسر، به ریش پیشوا خندند  
بجز پس ماندگی دیگر، نشان از ما نیابد کس  
جهان پیش رو بر این رجوع قهقرا خندند  
(پیشین، ص ۱۶۹).

ملل بر علم خود نازند ما را  
تفاخر جز به مشتی استخوان نیست  
(پیشین، ص ۱۵۴).

«اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ»  
(حدید/۲۰).

**۷) منیت گرایی، قدرت طلبی، شهوت پرستی، تن پروری و فقر**

خودپرترینی، قدرت طلبی، شهوت پرستی، تنبلی و فقر در همه عرصه ها، یکی دیگر از موانع وحدت اسلامی است که از نظر شهید بلخی علیه السلام به دور نمانده است:

در گذر از خودنمایی، ذره شو، دیدی چسان  
از اتموم و هیبتش پشت زبردستان شکست  
قطره آسان دل نورکن، اثر در کوچکی است  
دیده ای جوف صدف را قطره نسبان شکست  
(پیشین، ص ۱۴۳).

آتش کبر و نفاق، جامه تقوا بسوخت  
جام شرافت شکست، جامه شهوت پرست

حامی نوع، مخوانش اگر از نفس نرست  
از جوان مدعی درد وطن جستیم، گفت

چون نیک ببینی، سبب فتنه ز فقر است  
سازند گروهی ز زر و سیم، کمر بند

زینت دیگر نماند چون پر طاووس رفت  
قرن مشعشع رسید، غیرت ناموس رفت

(پیشین، ص ۱۵۸).  
گرچه دانش ز دل کاهکشان بر زد و رفت  
فقد ویتامین منصب بود، درمان دید و رفت

(پیشین، ص ۱۶۱).  
از فقر به سرمایه هستی ضرر افتاد  
و آن دیگری از سستی، درد کمر افتاد

(پیشین، ص ۱۶۶).  
پیامبر گرامی اسلام ﷺ می فرماید: «الفقر اشد من القتل» (ری شهری، پیشین، ص ۴۰۸).

### ۸) تقدیر سزایی و جبر گزایی

جبر گزایی در تعیین سرنوشت بر اساس دو نوع حرکت در جهان اسلام، به وجود آمده است: یکی تفسیر و تبیین از بخش متون دینی که به ظاهر حاکمیت تقدیر را بر فرجام زندگی انسان القاء کرده و بشر را موجود بی اختیار تلقی می نماید، و دیگری حاکمان و افرادی که می خواهند حکومت و سلطه شان در ساحت های مختلف اجتماعی، بر فکرها و قلب های توده مردم هم چنان پابرجا و مداوم باشد و از این راه، امرار معاش و ارتزاق نمایند.

یک قد کوتاه نمی گردد، ره این کاروان  
تا به غفلت گاه ما، افسانه تقدیر هست

(ندای وحدت، ص ۱۴۹).

اختلاف شیخ و صوفی علت واماندگی است  
پای همت بسته، می گویند کاین تقدیر ما ست!

(پیشین، ص ۱۳۳).

عالم تمام، داعی احقاق حق و لیک  
ظاهر نگشت، پس حق مضمهر به جیب کیست؟  
زشتی ز ما، چرا شده بدنام آن قضا؟  
مفتی بگو قضای مقدر به جیب کیست؟

(پیشین، ص ۱۵۰).

### ۹) تقلید و تملق

تقلید و تملق یکی دیگر از موانع وحدت اسلامی در تفکر شهید بلخی رحمته الله علیه می باشد. تقلید یعنی توجه نکردن به دانش و اهتمام نورزیدن به معرفت خوب و بد و بی توجهی در شناخت حق از باطل، و تملق یعنی تفکیک نکردن حقیقت خواهی ها از ظاهر فریبها و زندگی کردن در معیار و مقیاس به رنگ روز بودن.

معارف جو، نه هر تقلید رشد است  
غبار کاروان، تا کهکشانش رفت

(پیشین، ص ۱۵۴).  
لعن ارباب قلم بر آن کسی کو با قلم  
بهر نفع خویش از بیدادگر تمجید داشت  
زخم دل، اشک بصر، چاک گریبان یتیم  
هر یکی صد خنده ها بر آن که می لاقید داشت

(پیشین، ص ۱۵۵).

«وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَّلُوا كَانُوا آبَائِهِمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ» (مائده / ۱۰۴).

### پیامدهای اختلافات مذهبی، نژادی، زبانی و...

#### ۱) بحران آفرینی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی

بر اساس تجربه تاریخی و دستورالعمل های دینی، در هر جامعه ای که اختلافات مذهبی، نژادی و زبانی و... شعله ور گردد و آتش آن فوران نماید، بحران های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی به وجود می آید. افغانستان در عصر بلخی رحمته الله علیه نیز از این قاعده بازی مستثنی نبود، زیرا قتل نادرشاه و به قدرت رسیدن ظاهرشاه یکی از دهها و بلکه صدها، پیامد این نوع اختلافات موجود در افغانستان آن روزگار بود، که موجب گردید بلخی رحمته الله علیه فریادگر آثار فکری، سیاسی و اجتماعی آنها درگذر تاریخ باشد و آنها را با شهادت خویش روایت نماید.

امریک<sup>۱</sup> و اروپا همه عیش سفر از تو  
با آه یتیمان و غریبان سفر از ما  
شیرینی و بیماری قند و شکر از تو  
بر تلخی اوقات فقیران نظر از ما  
جنگ و جدل مذهب و هم تفرقه از تو  
مفکوره اصلاح و سلوک بشر از ما  
هر وقت که کوشی پی اغوای خلائق  
شیطان صفتی از تو و رمی جمر از ما  
این قدر بگویم که تو مشرف به زوالی  
بدنامی دوران ز تو، فتح و ظفر از ما

(دیوان علامه بلخی، ص ۱۵).

#### ۲) خوار شدن قرآن و خفت اسلام

از نظر شهید بلخی، فرهنگ بزرگ و با عظمت اسلام، که گذشته آن با اخوت، معنویت، تمدن سازی، عزت آفرینی، محبت، ایثارگرایی و... همراه بوده و مدینه فاضله نبوی، تمدن اندلس و قدرت

۱- آمریکا.

عثماني را هويت بخشیده است، در اثر اختلافات مذهبی و نژادی و... مورد بی‌توجهی، بی‌احترامی و بی‌مهری قرار گرفته، و گفتار و کردارهای غیر مسلمانی مسلمانان به آن منسوب می‌شود.

از نفاق ما رسوم دین و قرآن خوار شد  
 از نفاق و خفت اسلام بنگر بر یهود  
 بعد مدت‌ها فراری‌ها و یأس، اسفلکان  
 کعبه‌ای کز بدو بودن، گوی چو گانش جهان  
 آتش این فتنه‌ها شاهی و استبداد بود  
 (پیشین، ص ۶۶).

در غربت دین بر شود از تربت یثرب  
 هر لحظه به حق ناله و فریاد محمد  
 (حسینی، پیشین، ص ۷۶).

### ۳) برادر کشی

برادرکشی، تکفیر، تجویز قتل، غارت، ترور شخصیت و... اثر دیگری از اختلافات مذهبی، نژادی و... است، که در افغانستان بارها اتفاق افتاده و تکرار شده است. تاریخ سرزمین شهید بلخی علیه السلام همیشه به یاد دارد که یکی از حاکمان فاسد و ظالم آن دیار، به نام عبدالرحمن وقتی از طریق نظامی در سرکوب کردن هزاره‌های جعفری مذهب موفق نشد و احساس شکست کرد، از مفتی سنی تقاضای صدور فتوای تکفیر و جواز قتل عام شیعیان را نمود. این رویه هم‌چنان در افغانستان با فراز و نشیب ادامه یافت، اما در عصر طالبان باز هم به اوج خود رسید. گروه طالبان برای شیعیان سه راه را پیشنهاد کرد: ۱) ترک افغانستان، زیرا در تفکر طالبان، شیعیان، مسلمان تلقی نشده، و افغانستان سرزمین مسلمانان می‌باشد؛ ۲) شیعیان به قتل برسند، چون کافر هستند؛ ۳) شیعیان باید مسلمان بشوند، و مذهب سنی را به اجبار انتخاب نمایند.

ریزیم گهی خون خود و گه ز برادر  
 هم غرب به تحکیم بلاک آمد و هم شرق  
 کس نیست که گوید بیکی زین دو، خوش انصاف!  
 هر سوی که بینیم، سرچنگ و جدال است  
 این خوی بهائم، نبود در خور عاقل  
 کاین هر دو بمیرند از این درد مفاصل  
 ای یار! ز الفت سر این رشته تو مگسل  
 گیتی شده امروز چو میدان قبایل  
 (پیشین، ص ۸۰).

از چیست برادر به برادر شده بد بین  
 و از چیست مسلمان به مسلمان پی کین است؟

۱- زشت.

این جمله مصائب ز نفاق است، نفاق است تا هست چنان حال، چنین بدتر از این است  
 از تفرقه ماست، نگر دشمن قرآن در مسند اسلام همی صدر نشین است  
 اسلام نداده است به ما فرق نژادی هستیم برادر چه به ژاپان چه به چین است  
 (ندای وحدت، ص ۳۰).

### ۴) نفوذ فرهنگ غرب

تشتت و پراکندگی بستر ساز نفوذ فرهنگ غرب و دیگر یکی از مهم‌ترین عوامل نفاق و تفرقه محسوب می‌گردد؛ نفوذی که در تلقی شهید بلخی علیه السلام دارای دو چهره کاملاً متفاوت از هم می‌باشد: یکی ظاهری؛ که حمایت، بازسازی، حق خواهی، برابری، آزادی، یکسان‌انگاری مرد و زن و... از خصوصیات بارز آن است، و دیگری واقعی؛ که غارت، ناامنی، بی‌ثباتی، بی‌هویتی انسان‌ها، بحران معنویت، متزلزل کردن ارزش‌های انسانی و به وجود آوردن نحله‌های جدید فکری و... از برایند حتمی این نوع نفوذ تلقی می‌شود.

بی‌جهت پیرایه می‌بندی به خویش  
 آن چه بودستی، نمی‌گردی قشنگ  
 (دیوان علامه بلخی، ص ۷۶-۷۷).  
 ز خون نوجوانان، پاد زهری در بغل باید  
 که نیش و زهر استعمار، چون ماراست آگه شو  
 یک طرف تعمیر مسجد می‌کنی  
 یک طرف داری به کعبه قصد جنگ  
 هست در حقت همان ضرب المثل  
 روز در جلد ملنگ<sup>۱</sup> و شب پلنگ  
 غوطه خوردی در خم امریک هم  
 پیره روبه! باز آوردی چه رنگ؟<sup>۲</sup>

### جمع بندی

با نگاه به زندگی و آثار علامه بلخی علیه السلام و به خصوص دیوان اشعار وی روشن می‌شود که وی ضرورت اخوت دینی را درک نموده و به اهمیت وحدت اسلامی توجه فراوان داشته، و با مسافرت به جهان اسلام و تشکیل حزب اتحاد اسلامی در افغانستان در راستای رسیدن به این مهم اقدام کرده است. وی در بخش دیگری از زندگی خود که دیوان اشعارش روایت‌گر آن است، به صورت گسترده محورهای وحدت اسلامی هم‌چون: ضرورت وحدت، قرآن، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و دین اسلام؛ راه کارهای وحدت اسلامی مانند: بیداری مسلمانان، توجه به مفاخر مسلمین، تاریخ اسلام، جهان اسلام، امید، اعتماد به نفس، اتکال بر خدا، همت و استقلال‌طلبی، غیرت دینی، وطن‌خواهی و

۱- گروه خاص صوفیان گدا.

۲- ندای وحدت، تهیه و تنظیم: بنیاد فرهنگی - تحقیقاتی علامه شهید بلخی (ره)، ص ۱۶.

استقامت، علم و دانش، وحدت نظر و عمل، از فرصت بهره گرفتن؛ علل اختلافات مثل: جهالت، خرافه‌پرستی، حاکمان فاسد، جاهل و استبدادگر، استفاده ابزار از مذهب و تلقی‌های متفاوت و متضاد؛ شیخ، صوفی، زاهد و مفتی، استعمار، استبداد، سیاست‌زدگی، تبعیض، تعصب، تجاهل و تفاخر، منیت‌گرایی، قدرت‌طلبی، شهوت‌پرستی، تن‌پروری و فقر، تقدیرسرای و جبرگرایی، تقلید و تملق؛ و پیامدهای اختلافات مذهبی، نژادی و زبانی مانند: بحران‌آفرینی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، خوار شدن قرآن و خفت اسلام، برادرکشی و نفوذ فرهنگ غرب، را به درستی، دقیق و عمیق در قالب غزل، مثنوی و قصیده ترسیم کرده و خودش را در برآیند این آرمان‌گرایی اسلامی در افکار انسجام‌گرایان ماندگار نموده، و تفکر و اندیشه‌اش را برای همیشه تاریخ تقدس بخشیده است.

«وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ يَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا» (مریم، ۱۵).

### منابع و مأخذ:

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. احمدی‌نژاد، سیدحسن، گلشن ابرار، ج ۲، نشر معروف، ۱۳۸۲.
۴. اقبال لاهوری، محمد، کلیات اقبال، تهران، نشر ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۵. حسینی، سید محمد، رهبری آزادی، دهکده جهانی آل محمد، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۶. دایرة المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبّی، چاپ سوم، ۱۳۸۳.
۷. دولت آبادی، بصیراحمد، هزاره‌ها از قتل‌عام تا احیای هویت، ابتکار دانش، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۸. دیوان علامه بلخی، مؤسسه فرهنگی امید، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۹. ری‌شهری، محمد، منتخب میزان الحکمه. تلخیص سید محمدحسینی، چاپ اول، دار الحدیث، قم، ۱۴۲۲ق.
۱۰. طنین، ظاهر، افغانستان در قرن بیستم، محمد ابراهیم شریعتی افغانستانی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
۱۱. غررالحکم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۹.
۱۲. ندای وحدت، بنیاد فرهنگی - تحقیقاتی علامه شهید بلخی رحمته، قم، چاپ اول، ۱۳۷۵.

